

# مسجد الإجابة یا مسجد مباحله

محمد صادق نجمی

جلوگیری از یک عمل خلاف واقع و پیش‌گیری از نفوذ و ادامه یک حرکت عوامانه، به کسانی که در این مسجد حضور پیدا می‌کنند و به نماز و دعا می‌پردازند، متذکر شویم که این حضور باید توأم با واقع‌بینی و آگاهی کامل باشد و بدانند که در چه جایگاهی قرار گرفته‌اند و انگیزه قداست و شرافت این محل از چیست و امتیاز این مسجد با مساجد دیگر از کجا و به چه دلیل است.

## اهمیت مساجد تاریخی مدینه

جای‌ها و اماکن عبادت و پرستش خدا، در تمام دنیا و در میان پیروان همه مذاهب، از احترام و قداست ویژه‌ای

یکی از مساجد کهن و تاریخی در مدینه منوره، که مورد توجه حجاج و زائران بوده و هست، مسجدی است به نام «مسجد الإجابة» که در سال‌های اخیر، در محاورات مردم به اشتباه و بدون توجه به پیشینه تاریخی‌اش، به عنوان «مسجد مباحله» معرفی گردیده و از این جهت که مراسم مباحله رسول خدا ﷺ با مسیحیان نجران، در این محل به وقوع پیوسته، مورد اهتمام خاص قرار می‌گیرد.

از آنجا که این اشتباه و تحریف، اثرات منفی و نتایج زیان‌باری دارد، لازم دانستیم آنچه از منابع حدیثی و تاریخی درباره این مسجد به دست آمده، در اختیار علاقمندان قرار دهیم تا ضمن

برخوردار است و انسان‌ها در هر مذهب و عقیده‌ای که باشند، عبادتگاه خود را محترم می‌شمارند. حفظ و حراست و نظافت و پاکیزگی آن را جزو وظایف خود می‌دانند. این موضوع، در دین مقدس اسلام و در میان مسلمانان، دارای اهمیت بسیاری است، به گونه‌ای که برای احترام و حفظ قداست مساجد، قوانین و احکام خاصی در نظر گرفته شده است و شخص جنب حق توقف در هیچ‌یک از مساجد را ندارد و نماز خواندن در مسجد بدون تطهیر آلودگی و نجاست آن، جایز نیست و...

و برای همان تکریم و تشریف است که خداوند متعال، مساجد روی زمین را به ذات مقدس خود نسبت داده؛ «وَأَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا»<sup>۱</sup>. و تعمیر و آباد نمودن آن‌ها را، از مختصات بندگان مؤمنش قرار داده و فرموده است:

«إِنَّمَا يَتَمَرُّ مَسَاجِدَ اللَّهِ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ...»<sup>۲</sup>.

و از اینجاست که مسلمانان در طول تاریخ و از اول اسلام تا امروز نسبت به ایجاد ساختمان و آبادی مساجد، اهمیت زیادی قائل شده و آنچه در توان دارند،

در این راه به کار می‌بندند و در همه نقاط دنیا و در تمام شهرها، زیباترین آثار و جالب‌ترین بناها را مساجد آن شهرها تشکیل می‌دهند.

ولی در میان همه مساجد، مسجدهای تاریخی و قدیمی مدینه منوره، از جایگاه خاص و موقعیت ویژه‌ای برخوردار است؛ زیرا این مساجد، گذشته از این‌که یادآور حضور رسول خدا ﷺ و شاهد نماز و دعای آن حضرت می‌باشند، گویای خاطرات و حوادثی هستند که می‌تواند در فهم بعضی از آیات و احادیث مؤثر و بیانگر گوشه‌ای از تاریخ حساس دوران رسالت پیامبر اسلام باشد.

برای همین است که عموم مسلمانان، به‌ویژه مورخان و مدینه‌شناسان در طول چهارده قرن گذشته، در بیان تاریخ و حفظ حدود و مشخصات این مساجد تلاش نموده و بر ضبط وقایع و حوادث آن‌ها اهتمام ورزیده‌اند و به عنوان زیباترین خاطرات و ارزشمندترین دانستنی‌های تاریخی و مذهبی، به نسل‌های آینده منتقل نموده‌اند، لذا هریک از تألیفات و کتاب‌ها که در قرن‌های گذشته و یا در

دوران معاصر، در بارهٔ مدینه‌شناسی نوشته شده، بخشی از آن به معرفی این مساجد اختصاص یافته و این در حالی است که در معرفی این مساجد گاهی تألیفات مستقلى نیز سامان یافته است، مانند:

\* **تاریخ المدينة المنورة؛** از ابوزید عمر بن شبة نسیری (۱۷۳ - ۲۶۲ هـ. ق.)، مؤلف این کتاب، ضمن معرفی مساجد مدینه، آن‌ها را به دو بخش تقسیم نموده است:

**الف: مساجد و محل‌هایی که نماز خواندن رسول خدادار آن‌ها مسلم و قطعی است؛** (ذكر المساجد و المواضع التي صلى فيها رسول الله ﷺ)

**ب: مساجدی که نماز خواندن آن حضرت در آن‌ها محتمل و مورد اختلاف است؛** (ذكر المساجد التي يقال انه صلى فيها و يقال انه لم يصل فيها) گفتنی است در بخش اول نزدیک به چهل مسجد شناسانده است.<sup>۳</sup>

\* **الدرة الثمينة في تاريخ المدينة؛** کتابی است از محب‌الدین ابن نجار متوفای ۶۴۰ هـ. ق. این کتاب با این که خلاصه‌ای است از تاریخ مدینه، لیکن بخش مهمی از آن به معرفی مساجد

مدینه اختصاص یافته است.<sup>۴</sup>

\* **وفاء الوفا بأخبار دارالمصطفى؛** کتابی است از نورالدین علی بن احمد سمهودی متوفای ۹۱۱ هـ. ق. این کتاب گسترده‌ترین و مورد اعتمادترین نوشته در مدینه‌شناسی است و مؤلف آن گذشته از اینکه بیش از چهل مسجد قدیمی در داخل و خارج مدینه را شناسانده، در فصل دیگری با عنوان «فیما ينسب اليه ﷺ من المساجد بين مكة والمدينة» به معرفی مساجدی که رسول خدا در مسیر خود از مدینه تا مکه، در آن‌ها نماز خوانده، اختصاص داده و از مسجد شجره شروع کرده و نزدیک به سی مسجد را در این مسیر اسم می‌برد که یکی از آن‌ها مسجد «غدیر» است.

از کتاب‌هایی که در عصر حاضر، در موضوع مدینه‌شناسی چاپ گردیده و مساجد قدیمی مدینه در آن‌ها معرفی شده کتاب‌های زیر است:

\* **«تاريخ المعالم المدينة المنورة قديماً وحديثاً»**<sup>۵</sup>

\* **«فصول من تاريخ المدينة المنورة»**<sup>۶</sup>

\* **«المساجد الأثرية في المدينة النبوية»**<sup>۷</sup>

نویسندگان این کتاب‌ها، مساجد قدیمی مدینه را تا آنجا که دسترسی داشته و خود مشاهده نموده‌اند، به خوانندگانشان معرفی کرده‌اند.

#### معرفی مسجد ضرار

گفتنی است، در منابع و مدینه‌شناسی‌های قدیمی، مسجد ضرار نیز در کنار مساجد موجود در زمان رسول خدا ﷺ شناسانده شده و تاریخ بنای این مسجد و چگونگی تخریب و انهدام آن به دستور رسول خدا ﷺ بازگو شده است.

#### مساجد مختلف در مدینه منوره:

در مساجد مدینه منوره، نکته مهم و جالب توجه این است که: مدینه شناسان این مساجد را به چند بخش تقسیم کرده‌اند:

۱- مساجدی که به دستور رسول خدا ﷺ بنا گردید و آن حضرت در آن‌ها نماز گزارد.

۲- مساجدی که به وسیله مسلمانان بنا شد و در آن‌ها اقامه نماز می‌شد، سپس پیامبر ﷺ در آن مساجد حضور یافت و نماز گزارد.

۳- مساجد قدیمی مدینه، که رسول خدا در محل این مساجد؛ اعم از منازل شخصی و یا باغات و نخلستان‌ها نماز گزارد ولی در زمان، آن حضرت به شکل مسجد، مورد استفاده عموم نبود و تا زمان عمر بن عبدالعزیز به همان وضع باقی بودند، تا اینکه ولید بن عبدالملک در دوران خلافتش ۸۶ - ۹۶ به عمر بن عبدالعزیز والی خود در مدینه دستور داد این جایگاه‌ها را به صورت مسجد و عبادتگاه عمومی ساخت و چون این مساجد با مباحث مستقیم عمر بن عبدالعزیز احداث گردید، در کتب تاریخ و مدینه‌شناسی به شخص وی نسبت داده می‌شود و می‌گویند فلان مسجد عمری است؛ یعنی به دستور وی ساخته شده است و این اصطلاح درباره تعداد بسیاری از مساجد مدینه به کار می‌رود.

در این مورد، ابن نجار (متوفای ۵۶۴۳ ق.) می‌گوید: ولید بن عبدالملک در دوران خلافتش به عمر بن عبدالعزیز، والی خود در مدینه، دستور داد: همه نقاط و محل‌هایی که رسول خدا ﷺ در آنها نماز خوانده، شناسایی و به مسجد

عمومی تبدیل کند. او هم دستور ولید را با شناسایی کامل این نقاط، اجرا و در آن‌ها مسجد بنا نمود.<sup>۸</sup>

این شبه متوفای ۲۶۲ می‌گوید: در مدینه و اطراف آن، هر مسجدی که با سنگ و آهک بنا شده، از مساجدی است که رسول خدا ﷺ در محل آن نماز به جای آورده است؛ زیرا عمر بن عبدالعزیز به هنگام توسعه مسجد النبی ﷺ «طبق دستور ولید» از مردم مدینه درباره منازل و نقاطی که رسول خدا ﷺ در آنجا نماز خوانده‌اند، سؤال و آن‌جاها را مشخص نمود و به صورت مسجد درآورد و دیوارهای آن‌ها را برای تمایز از مساجد دیگر با سنگ بالا برد.<sup>۹</sup>

پس از عمر بن عبدالعزیز، امرا و سلاطین و اعیان و اشراف و همه مسلمانان، پیوسته نسبت به تعمیر و ترمیم و توسعه و تجدید بنای این مساجد توجه خاصی مبذول داشته‌اند. از این میان سلطان سلیمان قانونی<sup>۱۰</sup> (متوفای ۹۷۶ ه. ق.) به این موضوع بیش از دیگران اهتمام ورزید و به دستور وی، همه مساجد تاریخی در مدینه منوره، تخریب و تجدید بنا گردید.<sup>۱۱</sup>

### مسجد الاجابة و مسجد بنی معاویه

یکی از مساجد قدیمی مدینه، که در حال حیات رسول خدا ﷺ و به وسیله مسلمانان ساخته شد و رسول خدا ﷺ در داخل آن نماز خواند، مسجدی است به نام «الاجابة» و نامگذاری آن به این اسم، از این جهت است که طبق نقل محدثان اهل سنت و مضمون بعضی از روایات شیعه، رسول خدا پس از اینکه در این مسجد نماز خواند، سه مطلب را از خداوند خواست و خداوند دعای او را در دو مورد اجابت کرد و در یک مورد رد نمود.

عباسی، یکی از مدینه شناسان، پس از نقل حدیث حضور و دعای پیامبر خدا ﷺ در این مسجد، می‌گوید: «و لهذا سُمی مسجد الاجابة» یعنی به جهت قبول دعای آن حضرت در دو مورد از خواسته‌هایش، این مسجد «الاجابة» خوانده شد.<sup>۱۲</sup>

نام دیگر «مسجد الاجابة»، «مسجد بنی معاویه» است؛ زیرا این مسجد به وسیله قبیله بنی معاویه ایجاد گردید و در روستایی که این قبیله در آن سکونت داشتند قرار گرفته بود و لذا سهمودی این مسجد را این‌گونه معرفی می‌کند: «و منها

مسجد الإجابة و هو مسجد بنی معاویه بن مالک بن عوف من الأوس».<sup>۱۳</sup>

#### موقعیت مسجد الإجابة

مسجد الإجابة، به فاصله ۳۸۵ متر و در سمت شمال بقیع، در خیابان ستین قرار گرفته است و فاصله آن با مسجد النبی ﷺ پس از توسعه آن، ۵۸۰ متر می باشد.

#### نماز و دعای رسول خدا در مسجد الإجابة:

درباره نماز و دعای پیامبر خدا ﷺ در «مسجد الإجابة» دو حدیث به ترتیب از سعد بن ابی وقاص و عبدالله بن جابر بن عتیق در «صحیح مسلم» و «موطأ مالک» که از مهمترین منابع حدیثی اهل سنت می باشند، با مختصر تفاوت در متن آن ها نقل شده است:

متن حدیث در صحیح مسلم:

عَنْ عَامِرِ بْنِ سَعْدٍ، عَنْ أَبِيهِ، أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ أَقْبَلَ ذَاتَ يَوْمٍ مِنَ الْعَالِيَةِ حَتَّى مَرَّ بِمَسْجِدِ بَنِي مُعَاوِيَةَ، دَخَلَ فَرَكِعَ فِيهِ رَكْعَتَيْنِ وَ صَلَّى مَعَهُ دَعَا رَبَّهُ طَوِيلًا ثُمَّ انْصَرَفَ إِلَيْنَا فَقَالَ: «سَأَلْتُ رَبِّي أَنْ لَا يَهْلِكَ أُمَّتِي

بِالسَّنَةِ فَأَعْطَانِيهَا وَ سَأَلْتُهُ أَنْ لَا يَهْلِكَ أُمَّتِي بِالْفَرْقِ فَأَعْطَانِيهَا وَ سَأَلْتُهُ أَنْ لَا يَجْعَلَ بِأَسْهُمَ بَيْنَهُمْ، فَمُنْعَنِيهَا».<sup>۱۴</sup>

عامر بن سعد از پدرش سعد وقاص نقل می کند: روزی رسول خدا ﷺ که از عالیه<sup>۱۵</sup> برمی گشت، عبورش از کنار مسجد بنی معاویه افتاد، وارد این مسجد شد و دو رکعت نماز به جای آورد. ما هم با او نماز به جای آوردیم. رسول خدا آن گاه دعایی طولانی کرد. سپس به سوی ما برگشت و فرمود: من از خدا سه مطلب درخواست کردم و او دعای مرا در دو مطلب از آن ها اجابت نمود ولی در مورد مطلب سوم دعای مرا رد نمود. من از خدا خواستم که امت مرا با کرسنگی هلاک نکند، خداوند اجابت کرد و از او خواستم امت مرا با غرق شدن هلاک نکند، خدا این دعای مرا هم اجابت نمود و از او خواستم از میان امت من اختلاف و فتنه را بردارد، خدا این دعای مرا مستجاب نمود.

متن حدیث در موطأ مالک:

عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَتِيقٍ أَنَّهُ قَالَ: «جِئْنَا عَبْدَ اللَّهِ بْنَ عَمْرِو بْنِ مُعَاوِيَةَ وَ هِيَ

قرية من قرى الأنصار، فقال: هل تدرون أين صَلَّى رسول الله من مسجدكم هذا؟ فقلت: نعم و اشرت له الى ناحية منه، فقال: هل تدري ما الثلاث الذي دعا بهنّ فيه؟ فقلت: نعم، قال: فأخبرني بهنّ، فقلت: دعا بأن لا يظهر عليهم عدوّاً من غيرهم و لا يهلكهم بالسنين فأعطاهما و دعا بأن لا يجعل بأسهم بينهم فمنعنيها. قال: صدقت. قال: ابن عمر، فلن يزال الهرج الى يوم القيامة».<sup>١٦</sup>

عبدالله جابر بن عتيك گوید: روزی عبدالله بن عمر در محله بنی معاویه، که یکی از روستاهای انصار است، نزد ما آمد و پرسید: آیا می‌دانید رسول خدا ﷺ در کدام نقطه از این مسجد شما به نماز ایستاد؟ گفتم: آری، و به نقطه‌ای از مسجد که پیامبر ﷺ در آنجا به نماز ایستاده بود، اشاره کردم. عبدالله بار دیگر پرسید: آیا آن سه مطلبی را که رسول خدا درباره آنها دعا کرد، می‌دانید؟ گفتم: آری. گفت: آن‌ها را هم بمن بگو! گفتم: یکی از آن دعاها این بود که خداوند دشمنان امتش را بر آن‌ها مسلط نگرداند و دیگری اینکه آن‌ها را با گرسنگی هلاک نکند. خدا این دو دعای پیامبر را اجابت نمود و

سومین دعای آن حضرت این بود که خداوند اختلاف و فتنه را از میان امت او بردارد ولی این دعا به اجابت نرسید. عبدالله عمر گفت: درست گفتم و اضافه نمود:

پس اختلاف در میان این امت همچنان تا قیامت باقی خواهد ماند.

خلاصه این حدیث را ابن شُبّه از سعد چنین نقل می‌کند:

«إِنَّهُ كَانَ مَعَ النَّبِيِّ فَمَرَّ بِمَسْجِدِ بَنِي مُعَاوِيَةَ، فَدَخَلَ فَرَكَعَ رَكْعَتَيْنِ ثُمَّ قَامَ فَتَنَاجَى رَبَّهُ ثُمَّ انْصَرَفَ».<sup>١٧</sup>

در متن این نقل، جمله «ثُمَّ قَامَ» هم وجود دارد و لذا سمهودی می‌گوید: با توجه به متن این حدیث، برای کسانی که در این مسجد نماز می‌خوانند و دعا می‌کنند، بهتر است به جهت تأسی به رسول خدا ﷺ در حال ایستاده دعا کنند.<sup>١٨</sup>

#### مسجد الإجابة در حدیث شیعه

در مورد دعای حضرت رسول ﷺ در مسجد الإجابة، از امیر مؤمنان ﷺ نیز حدیثی نقل شده است. گرچه در این حدیث به محل این دعا (مسجد اجابه) اشاره نشده، ولی مضمون آن همان

حدیث را که قبلاً از منابع اهل سنت آوردیم، تأیید می‌کند.

متن این حدیث که مرحوم صدوق در خصال با اسناد نقل نموده، چنین است:

عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام أَنَّ النَّبِيَّ صلى الله عليه وآله قَالَ: سَأَلْتُ رَبِّي تَبَارَكَ وَتَعَالَى ثَلَاثَ خِصَالٍ، فَأَعْطَانِي اثْنَتَيْنِ وَ مَنَعَنِي وَاحِدَةً، قُلْتُ: يَا رَبِّ لَا تَهْلِكْ أُمَّتِي جُوعاً، قَالَ: لَكَ هَذِهِ قُلْتُ: يَا رَبِّ لَا تُسَلِّطْ عَلَيْهِمْ عَدُوًّا مِنْ غَيْرِهِمْ، يَعْنِي مِنَ الْمُشْرِكِينَ، فَيَحْتَاجُوهُمْ، قَالَ: لَكَ ذَلِكَ قُلْتُ: يَا رَبِّ لَا تَجْعَلَ بِأَسْهُمَ بَيْنَهُمْ فَمَنْعَنِي هَذِهِ».<sup>۱۹</sup>

#### مسجد الإجابة در تاریخ

از احادیثی که در مورد مسجد الإجابة نقل کردیم، معلوم می‌شود که این مسجد از مساجدی است که در حال حیات رسول خدا صلى الله عليه وآله و به وسیله قبیله بنی‌معاویه ساخته شده بود و لذا چون آنحضرت از کنار آن عبور می‌کرد وارد گردید و نماز به جای آورد و دعا نمود. پس از رسول خدا صلى الله عليه وآله باز از منابع تاریخی استفاده می‌شود که

مسجد الإجابة پس از رسول خدا نیز به مدت چند قرن به صورت مسجد و با همان اسم «الإجابة» و «بنی‌معاویه» معروف بوده و گفتار ابن‌شبه متوفای ۲۶۲ق که اشاره نمودیم شاهد بر این معناست.

#### در قرن هفتم

ولی از گفتار ابن‌نجار (متوفای ۶۴۳ هـ. ق.) استفاده می‌شود که این مسجد در زمان او، روبه‌ویرانی گذاشته و بخشی از ساختمان آن فرو ریخته است؛ زیرا او می‌گوید:

«و مسجدان قریبان من البقیع؛ أحدهما يعرف بمسجد الإجابة و فيه استوانات قائمة و محراب ملیح و باقیه خراب، و آخر يعرف بمسجد البغلة».<sup>۲۰</sup>

«دو مسجد در نزدیکی بقیع است؛ یکی معروف به مسجد الإجابة، که دارای چند ستون و محراب زیباست ولی بقیه آن خراب است و مسجد دیگر معروف به مسجد بغله است.»

از گفتار مطری (متوفای ۷۴۱ هـ. ق.) استفاده می‌شود که پس از گذشت یک قرن و در زمان او هم این

مسجد به همان حالت خرابی بوده است، حتی از ستون‌ها و محرابی که ابن نجار، یک قرن قبل از طبری به وجود آن‌ها اشاره نموده، اثری باقی نبوده و آبادی بنی معاویه نیز، که مسجد در این آبادی قرار داشت، به صورت تلی از خاک درآمده بود؛ «و يعرف هذا المسجد بمسجد الإجابة و هو شمالي البقيع مع يسار الطريق السالك الى العريض وسط تلول و هي آثار قرية لبني معاوية و هو اليوم خراب».<sup>۲۱</sup>

تا اوایل قرن نهم؛ از گفتار مکی (متوفای ۸۵۴ ه. ق.) که کلام طبری «و هو اليوم خراب» را تکرار نموده<sup>۲۲</sup> معلوم می‌شود که مسجد الإجابة تا اوایل قرن نهم با همان حالت ویرانی بوده است. در اواخر قرن نهم؛ سمهودی (متوفای ۹۱۱ ه. ق.) از تعمیر و ترمیم این مسجد در اواخر قرن نهم خبر می‌دهد و در عنوان «مسجد الإجابة» می‌گوید: این یکی از همان دو مسجد است که ابن نجار آن‌ها را در حالی که خراب بوده‌اند، مشاهده نموده، ولی امروز از آن ستون‌هایی که او در داخل این مسجد از آن‌ها یاد نموده، اثری نیست و مسجد هم تعمیر و تجدید بنا

شده است.

سمهودی می‌افزاید: من مساحت این مسجد را اندازه‌گیری کردم، از شرق به طرف غرب، بیست و پنج ذراع، (تقریباً  $12\frac{1}{3}$  متر) و از قبله به سوی شمال بیست ذراع (تقریباً ۱۰ متر) بود.

#### مسجد الإجابة در قرن چهاردهم و در حال حاضر

از گفتار عیاشی، مؤلف کتاب «المدينة بين الماضي والحاضر» (متوفای ۱۴۰۰ ه. ق.) معلوم می‌شود که ساختمان مسجد الإجابة، به طوری که سمهودی در اوایل قرن دهم از آن یاد نموده، تا قرن چهاردهم یک بار دیگر تخریب شده و در این تاریخ مجدداً تجدید بنا گردیده است. او می‌گوید ساختمان مخروبه فعلی، نشانگر وجود محراب و گنبد در این مسجد است، تا اینکه در این اواخر عنایت خدا شامل حال ساکنان اطراف آن شد و مسجد تجدید بنا گردید و به صورت مناسب درآمد و این ساختمان جدید دارای مناره زیبا و مشرف بر اطراف می‌باشد.<sup>۲۳</sup>

گفتنی است این ساختمان همان است که نویسنده این سطور در طول بیش

از بیست سال، بارها در آن حضور یافته و به نماز و دعا پرداخته‌ام. لیکن از سال ۱۴۱۸ ه. ق.) ساختمان یاد شده به وسیله وزارت اوقاف حکومت سعودی تخریب و به صورت زیبا و وسیع‌تر از ساختمان پیشین تجدید بنا گردید.

#### مسجد مباهله کجاست؟

پس از آشنایی با این مسجد، اکنون به بحث می‌پردازیم که: مسجد مباهله کجا است و دلیل وجود آن از نظر منابع شیعه و اهل سنت چیست؟

#### مسجد مباهله از نظر مدینه شناسان

بیشتر اشاره شد که مدینه شناسان نسبت به مساجد قدیمی مدینه و به نقاط و محل‌هایی که رسول خدا ﷺ در آن‌ها نماز گزارده، اهمیت فراوان داده و به جزئیات حوادثی که در این مساجد به وقوع پیوسته، مانند: «دعای رسول خدا در مسجدالاجابه در حالی که ایستاده بود» پرداخته‌اند و هر یک از نقاطی که نماز خواندن پیامبر خدا ﷺ در آن مسلم و یا محتمل بوده، مستقلاً و جداگانه معرفی کرده‌اند و باز محل‌هایی را که در مسیر آن حضرت از مدینه تا مکه، در

نماز آن حضرت مورد استفاده بوده مانند مسجد «غدیر» و مسجد «معرّسح» مشخص نموده‌اند و حتی در کنار مساجد مدینه مسجد ضرار و چگونگی ایجاد آن به وسیله منافقان و معرفی آنان و چگونگی تخریب و سوزاندن آن به دستور رسول خدا را به‌طور مشروح مطرح کرده‌اند.

در این میان، تنها مسجدی که نام و نشانی از آن در منابع نیامده و به‌طور صریح و یا تلویحی و با اشاره از آن ذکری نشده، «مسجد مباهله» است و این عملکرد، آن هم درباره محلی که یکی از بزرگ‌ترین حوادث دوران زندگی رسول خدا در آن به وقوع پیوسته، نشانگر این است که از نظر مدینه شناسان در طول تاریخ مسجدی به عنوان «مباهله» وجود نداشته است؛ زیرا اگر چنین مطلبی واقعیت داشت، این مورخان و مدینه شناسان از ذکر آن غفلت ننموده و در معرفی آن کوتاهی نمی‌کردند.

#### مسجد مباهله در منابع شیعه

مراجعه به روایات شیعه، در مورد مساجد و مکان‌های مقدس و زیارتی در مدینه، نشانگر این است که در این

روایات هم، مانند منابع مدینه‌شناسی، مسجدی به نام «مباهله» معرفی نشده و در گفتار ائمه علیهم‌السلام از چنین مسجدی نام برده نشده است و این بهترین دلیل بر عدم وجود «مسجد مباهله» است؛ زیرا در صورت وجود چنین مسجدی، ائمه هدی علیهم‌السلام آن را به پیروانشان می‌شناساندند و در کتب حدیث و منابع فقهی و در مجموعه‌های ادعیه و زیارات، همان‌گونه که عبادات و ادعیه روز مباهله عنوان شده، منعکس می‌گردید؛ زیرا چنین مسجدی می‌تواند از دو جنبه تاریخی و معنوی، بر اکثر مساجد مدینه تفوق و برتری داشته باشد: یکی به لحاظ این که چنان مسجدی، نشانه و یاد بود از یک حادثه عظیم تاریخی است که در این حادثه با هدایت و راهنمایی وحی الهی، حقانیت اسلام تا قیامت عملاً رقم خورده است. و دیگر به لحاظ حضور اهل بیت عصمت و طهارت در این مراسم، آن هم طبق دستور صریح قرآن مجید که در این صحنه، یکی از بزرگترین فضایل این خاندان برای همیشه به ثبت رسید و در مقام و منزلت آنان برای کسی جای شک و تردید باقی نماند.

مساجدی که ائمه علیهم‌السلام در باره آنها توصیه کرده‌اند:

برای توضیح این موضوع، به بررسی روایاتی از ائمه هدی می‌پردازیم که در آنها مساجدی را به خصوص معرفی کرده‌اند و حضور در آنها را، در ضمن سایر مشاهد، برای پیروانشان توصیه و تأکید نموده‌اند.

و این مساجد و مشاهد عبارتند از: مسجد قباء، مسجد مشربه ام ابراهیم، مسجد فضیخ، مسجد فتح، مسجد احزاب و قبور شهدا در احد.

در یکی از روایات که در کافی از معاویه بن عمار نقل شده، چنین آمده:

عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: «لَا تَدْعُ إِثْيَانَ الْمَشَاهِدِ كُلِّهَا مَسْجِدَ قُبَاءَ فَإِنَّهُ الْمَسْجِدُ الَّذِي أُسِّسَ عَلَى التَّقْوَى مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ وَ مَشْرَبَةُ أُمِّ إِبْرَاهِيمَ وَ مَسْجِدِ الْفَضِيخِ وَ قُبُورِ الشُّهَدَاءِ وَ مَسْجِدِ الْأَخْرَابِ وَ هُوَ مَسْجِدُ الْفَتْحِ...»<sup>۲۴</sup>

باز در کافی از عقیقه بن خالد آمده است:

قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: «أَنَا نَأْتِي الْمَسَاجِدَ الَّتِي حَوْلَ الْمَدِينَةِ قِبَائِهَا

أَبْدَأُ فَقَالَ ابْدَأْ بِقُبَا فَصَلَّ فِيهِ وَ أَكْثِرُ  
فَإِنَّهُ أَوَّلُ مَنْ سَجَدَ صَلَّى فِيهِ  
رَسُولُ اللَّهِ ﷺ فِي هَذِهِ الْعَرَضَةِ، ثُمَّ  
اِثْنِ مَشْرِبَةٍ أَمْ إِبْرَاهِيمَ فَصَلَّ فِيهَا وَ  
هِيَ مَنْسُكُنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَ مُصَلَّاهُ  
ثُمَّ تَأْتِي مَنْسُجِدَ الْقُضَيْخِ فَتُصَلِّي فِيهِ  
فَقَدْ صَلَّى فِيهِ نَبِيَّكَ فَإِذَا قَضَيْتَ هَذَا  
الْجَانِبَ أَتَيْتَ جَانِبَ أُحُدٍ فَبَدَأْتَ  
بِالْمَسْجِدِ الَّذِي دُونَ الْحَرَّةِ فَصَلَّيْتَ  
فِيهِ ثُمَّ مَرَزْتَ بِقَبْرِ حَنْزَلَةَ بْنِ عَبْدِ  
الْمُطَّلِبِ فَسَلَّمْتَ عَلَيْهِ ثُمَّ مَرَزْتَ  
بِقَبْرِ الشُّهَدَاءِ فَسَلَّمْتَ عِنْدَهُمْ  
فَقُلْتَ...»<sup>٢٥</sup>

و در روایت حلبی چنین آمده

است:

عَنِ الْحَلَبِيِّ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ﷺ:  
«هَلْ أَتَيْتُمْ مَنْسُجِدَ قُبَاءٍ أَوْ مَنْسُجِدَ  
الْقُضَيْخِ أَوْ مَشْرِبَةَ أَمْ إِبْرَاهِيمَ؟ قُلْتُ:  
نَعَمْ. قَالَ: أَمَا إِنَّهُ لَمْ يَنْقُ مِنْ آثَارِ  
رَسُولِ اللَّهِ ﷺ شَيْءٌ إِلَّا وَقَدْ غُيِّرَ غَيْرُ  
هَذَا»<sup>٢٦</sup>.

منشأ اشتباه کجاست؟

به طوری که ملاحظه کردید، تاکنون

هیچ دلیل و مدرکی بر وجود مسجد

مباهله؛ اعم از شیعه و اهل سنت، به دست  
نیامد و از نظر حدیثی و تاریخی، وجود  
چنین مسجدی را نمی توان مورد تأیید  
قرار داد، لیکن به طوری که در آغاز بحث  
اشاره کردیم، علی رغم این واقعیت، در  
سال های اخیر در میان گروهی از  
مسلمانان، همان «مسجد الإجابة» به  
عنوان «مسجد مباهله» شناخته شده و  
زائران، به ویژه در موسم حج، گروه گروه  
برای زیارت آن به همین عنوان «مباهله»  
حرکت می کنند و راهنمای آنان، در این  
مسجد، درباره مباهله سخنرانی کرده،  
صحنه آن را ترسیم می کند و به عقیده  
خود، محل استقرار هر یک از دو گروه  
مسلمانان و مسیحیان و جایگاه هر یک از  
پیامبر و اهل بیت را از این مراسم به  
حاضرین توضیح می دهد. البته این  
برنامه، نه از روی عمد و با آگاهی از  
سابقه تاریخی این مسجد، بلکه در اثر  
اشتباهی بوده که به وجود آمده است و  
این اشتباه موجب شده است که مسجد  
مباهله جایگزین مسجد الإجابة گردد.

اکنون باید دید منشأ این اشتباه چه

بوده و این جابه جایی چگونه پدید آمده

است.

آنچه در این زمینه به نظر می رسد،

دو چیز است:

#### ۱- تشابه اسمی

پر واضح است که نوعی تشابه میان مفهوم واژه «اجابه» و «مباهله» وجود دارد و هر یک از این دو واژه، متلازم با دعا است و در مقام به کارگیری هر یک از مباهله و اجابه، دعا نیز به ذهن شنونده تبادر می‌کند و در اثر این تشابه و تلازم از یک جهت و اهمیت مسأله مباهله در اذهان مسلمانان به‌ویژه در اذهان شیعیان خاندان عصمت و طهارت از جهت دیگر، موجب شده است که به جای مسجد الإجابة مسجد مباهله استعمال شود و این موضوع در اثر کثرت استعمال به صورت یک واقعیت تاریخی درآمده است.

گفتنی است، این نوع تغییر و تحریف در وقایع و حوادث تاریخی و در باره امکان و اشخاص، فراوان رخ داده و در موارد زیادی دیده می‌شود و به تناسب موضوع، به یک مورد از این تحریف‌ها اشاره می‌کنیم و آن اینکه:

از نظر منابع تاریخی، عاتکه عمه رسول خدا ﷺ بر خلاف صفیه، در مکه و قبل از اینکه اسلام را بپذیرد، از دنیا رفته

است<sup>۲۷</sup> ولی امروز در مدینه و در کنار قبر صفیه، قبر دیگری را به عاتکه نسبت می‌دهند و برای هر دو یک زیارت نامه تنظیم گردیده و هر دو را با هم مخاطب قرار می‌دهند؛ «السَّلَامُ عَلَیْکُمَا يَا عَمَّتَی رَسُوْلَ اللهِ، السَّلَامُ عَلَیْکُمَا يَا عَمَّتَی نَبِیِّ اللهِ» و جای تأسف است که این نه تنها به کتب زیارات جدید بلکه به مناسک حج بعضی از مراجع عالی قدر نیز راه یافته است.

#### ۲- ذکر مسجد مباهله در گفتار یکی از علما

علی رغم مطالب گذشته و اینکه در منابع حدیثی و تاریخی شیعه و اهل سنت، از مسجد مباهله نامی و ذکری به میان نیامده، شیخ بزرگوار مرحوم محمدبن المشهدی<sup>۲۸</sup> در کتاب خود «مزار کبیر» در ضمن توصیه زائران مدینه منوره بر نماز خواندن در مساجد و امکنه مقدسه این شهر، خطاب به آنان چنین می‌گوید:

«و تصلّی فی دار زین العابدین علی بن الحسین علیه السلام ما قدرت و تصلّی فی دار جعفر بن محمد الصادق علیه السلام و تصلّی فی مسجد سلمان الفارسی علیه السلام

و تصلي في مسجد أمير المؤمنين عليه السلام  
و هو محاذي قبر حمزة عليه السلام و تصلي  
في مسجد المباهلة ما استطعت و  
تدعو فيه بما تحب و قد ذكرت  
الدعاء بأسره في كتابي المعروف  
ببغية الطالب و إيضاح المناسك».

این متن را علامه مجلسی رحمته الله در  
بحار الأنوار و محدث نوری در مستدرک  
نقل نموده‌اند.<sup>۲۹</sup> و پس از آنان، به تبعیت  
از ایشان، در بعضی از مؤلفات و کتب  
ادعیه و زیارات نیز همان متن و یا ترجمه  
آن آمده است.

ولی در کلام محمد بن المشهدی،  
جای این سوال باقی است که ایشان  
همانگونه که محل مسجد امیر مؤمنان عليه السلام  
را معرفی می‌کند که: «وَهُوَ مُحَازِي قَبْرِ  
حَمْزَةَ عليه السلام» چگونگی از ذکر محل  
مسجد مباهله خودداری ورزیده است و  
آیا منظور وی از این مسجد، همان  
مسجد الإجابة است و یا مسجد دیگری  
است که در زمان او معروف بوده ولی با  
مرور زمان از میان رفته و فراموش شده  
است؟

البته احتمال دوم بعید به نظر  
می‌رسد؛ زیرا اگر در زمان وی چنین  
مسجدی وجود داشت، مسلمانان از

حفظ و حراست آن غفلت نمی‌کردند و  
در تعمیر و تجدید بنا و ابقای آن مانند  
سایر مساجد قدیمی مدینه، سعی و تلاش  
می‌نمودند.

ولی احتمال نخست که منظور وی  
از مسجد مباهله، همان مسجد الإجابة  
بوده، قوی به نظر می‌رسد و می‌توان  
گفت که در اثر تشابهی که پیشتر اشاره  
کردیم، صاحب مزار کبیر هم به جای  
مسجد الإجابة، مسجد مباهله را به کار  
برده و جمله اخیر ایشان هم مؤید این  
احتمال است که می‌گوید: تا می‌توانی در  
این مسجد نماز بخوان و آنچه می‌خواهی  
و دوست داری، در این مسجد از خدا  
بخواه.

و این توصیه ایشان به این اعتبار  
است که رسول خدا در این مسجد نماز  
خوانده و دعا کرده و دعای آن حضرت  
مستجاب شده است و زائران هم به جهت  
تأسی به آن حضرت، به نماز بایستند و  
دعا کنند.

و اگر منظور ایشان، مسجدی به  
عنوان مسجد مباهله بوده، به یقین برای  
بیان اهمیت این مسجد، لازم بود به وقوع  
این حادثه مهم تاریخی، در این محل  
اشاره کند.

ولی به هر حال، نقل این جمله در این کتاب‌ها در جلب توجه زائران به این مسجد، به عنوان «مسجد مباحله» مؤثر بوده و از تحقیق و بررسی اصل موضوع مانع گردیده است.

**چرا در محل مباحله مسجد بنا نشده است؟**

با توجه به دلایلی که درباره عدم وجود مسجد مباحله نقل گردید، ممکن است این سؤال در ذهن خواننده پدید آید که: چرا در محل مباحله، با اهمیت تاریخی و معنوی که از آن برخوردار بود، مسجدی بنا نشده است، در حالی که برای حفظ آثار پیامبر خدا ﷺ نقاط مختلف دیگر، که از اهمیت کمتری برخوردار بودند، به صورت مسجد درآمده‌اند؟

پاسخ این پرسش، از مطالبی که پیشتر درباره چگونگی بنای مساجد قدیمی مدینه آوردیم، روشن می‌شود که بعضی از این مساجد، در زمان رسول خدا به دستور آن حضرت و بعضی دیگر به وسیله مسلمانان بنا شده است و بخش مهمی از این مساجد هم به وسیله عمر بن عبدالعزیز در نقاطی که نماز خواندن

رسول خدا در آن‌ها ثابت و مسلم بوده، ساخته شده است. گرچه طبق مضمون روایات، پیامبر اسلام قبل از حرکت به میعادگاه مباحله، با حضور اهل بیتش به نماز و دعا پرداخت ولی در محل مراسم مباحله هیچ دعا و نماز به جای نیاورده است.

زیرا روحانیون و نمایندگان مسیحیان نجران با مشاهده رسول خدا که بدون تشریفات و با نفرات محدود از خواص نزدیک و فرزندان خردسالش، به میعادگاه آمده است سخت به وحشت افتادند و از اقدام به مباحله خودداری کرده و حاضر به مصالحه شدند و به شرایط ذمه تن در دادند.

به هر حال، در این محل نمازی اقامه نشده است تا به وسیله عمر بن عبدالعزیز و یا هر فرد دیگر، به عنوان جایگاه نماز رسول خدا و مانند همه مساجد تاریخی مدینه، به مسجد تبدیل شود و ممکن است به جهت اهمیت این مراسم، محل برگزاری آن نیز در اوایل اسلام در میان مردم مدینه معروف و مشخص بوده که با مرور زمان و نبودن هیچ علامت و نشانی، به فراموشی سپرده شده است.

## انگیزه طرح این موضوع چیست؟

باز ممکن است پرسش دیگری در این زمینه مطرح شود که اصلاً انگیزه طرح این بحث چیست؟ مسجدي است از مساجد قدیمی مدینه منوره که گروهی از مسلمانان آن را به عنوان مسجد الإجابة و گروه دیگر به عنوان مسجد مباهله جزو مساجد با فضیلت می‌دانند و در آن به نماز و دعا می‌پردازند. به چه داعی و انگیزه‌ای این بحث را مطرح و تحقیق و بررسی می‌نماییم و دیدگاه گروهی را در مقابل گروه دیگر نفی می‌کنیم.

پیش از پاسخ به این پرسش، ذکر این مطلب ضروری است که شخص نگارنده سطور، معتقدم که با توجه به اصالت و حقانیت عقیده شیعه و گسترش اطلاعات و ارتباطات و پیدایش وسایل تبلیغی و توجه و نگرش جدیدی که در اثر انقلاب اسلامی نسبت به شیعه در جهان اسلام به وجود آمده، در حال حاضر باید شیعیان و پیروان اهل بیت علیهم‌السلام حرکت مثبتی را در ابراز اندیشه و افکار خویش و معرفی تشیع در سطح بین‌المللی آغاز کنند و اکنون وقت آن رسیده است که تشیع به عنوان یکی از مذاهب اسلامی و دارای عقایدی

مستقل در اصول و فروع و برخوردار از فقهی ریشه‌دار و مستدل، در برابر سراسر و به ویژه در مراسم حج مطرح شود و شیعیان بدون کوچکترین تردید و تزلزل، مانند پیروان مذاهب دیگر اسلامی، به مسلمات عقیده خود در اصول و فروع عمل و آن را با افتخار و مباهات به سایر مسلمانان معرفی نمایند.

اگر روزی بعضی از افراد کم‌مایه و بی‌اطلاع، در مسأله ولایت به نوعی تسامح و تعامل سخن می‌گفتند، امروز باید عقیده خود را صریح و تشیع خود را بی‌دغدغه اظهار نمایند.

و اگر روزی در مسأله تکثف در نماز و سجده بر فرش، بر خلاف فقه شیعه، با برادران اهل سنت مماشات و از فقه آنان پیروی می‌کردند، امروز باید جزئیات اعمال خود را مطابق فقه شیعه و به‌طور علنی انجام دهند.

البته اقدام به چنین عملی و نیل به این هدف و تغییر روش موجود پس از قرن‌ها، کاری نیست که به سهولت انجام پذیرد و به سادگی و به سرعت تحقق یابد، بلکه از یک سو نیازمند توجه عالمان دینی و متفکران دلسوز مذهبی است و از سوی دیگر وظیفه‌شناسی و

هَمَّت همهٔ افراد جامعهٔ شیعه را می‌طلبد و لذا امروز از واجبات مهم جهان شیعه این است که در حفظ مسلمات خود از اصول و فروع با تمام توان بکوشد و آنچه را که خارج از دائرة اصول و فروع و بیرون از محدودهٔ فقه و احیاناً موجب وهن آیین و موجب ایراد و اشکال مخالفان است، کنار بگذارد.

اکنون برمی‌گردیم به اصل سؤال که:  
«انگیزهٔ طرح این بحث چیست؟»

در پاسخ این پرسش می‌گوییم: عنوان نمودن هر موضوع غیر مستند و احیاناً خلاف واقع به صورت یک واقعیت و حقیقت مسلم، گذشته از این که اغراء به جهل و ارائهٔ یک مطلب موهوم و خیالی به صورت وجود قطعی آن است، که از نظر عقل و شرع عملی مذموم و نکوهیده می‌باشد، انجام دادن این نوع اعمال در شرایط کنونی، با وجههٔ عمومی جهان شیعه ارتباط پیدا می‌کند و اجرای این برنامه‌ها به اصل عقیده شیعه لطمه وارد می‌سازد.

#### توضیح مطلب اینکه:

متأسفانه پیروان اهل بیت عصمت و طهارت در طول تاریخ، به علل و انگیزه‌های مختلف سیاسی - مذهبی

مورد اتهام و افترا قرار گرفته‌اند و مطالب ناروا و بی اساس فراوان به شیعیان، که پیروان واقعی اسلام هستند، به عنوان روافض نسبت داده شده است که این تهاجم در بعضی از مقاطع تاریخ، مانند دوران بنی امیه و بنی عباس و همچنین در دوران عده‌ای از سلاطین عثمانی، از شدت بیشتری برخوردار بوده است و این اتهامات نه تنها در افواه عموم رایج بوده، بلکه در متن کتاب‌ها و تألیفات زیاد نیز منعکس شده که امروز این کتاب‌ها به شیوه‌های مختلف در اختیار تمام طبقات، از دانش آموز مدارس ابتدایی گرفته تا دانشگاهیان و اصناف مختلف در کشورهای اسلامی قرار می‌گیرد و اساس دیدگاه آن‌ها را نسبت به شیعه همین کتاب‌ها تشکیل می‌دهد.

در این میان، کتاب‌های ابن تیمیه و گفتارهای او، امروز در میان عده‌ای از مسلمانان از جایگاه خاصی برخوردار است و مطالب او از سوی پیروانش به عنوان احیاگر اسلام در قرن هشتم و کسی که فتاوی او حتی فتاوا و نظریات فقهی و اعتقادی پیشوایان چهارگانهٔ اهل سنت را تحت الشعاع قرار داده، مطرح و ترویج می‌شود و اتهامات و مطالب خلاف واقع

او درباره شیعه، به عنوان یک امر مسلم تلقی می‌گردد و یکی از این افتراها و تهمت‌های ناروا این است که او می‌گوید: «عقلای مسلمان اتفاق نظر دارند که در میان اهل قبله از نظر جهل و ضلالت و دروغ و بدعت... هیچ گروهی در حد روافض نیست!»<sup>۳۰</sup>

به طوری که ملاحظه می‌کنید، متهم کردن شیعه به دروغ‌گویی، به وسیله فردی متعصب و منحرف، نسبتی است بی اساس و بدون ارائه کوچک‌ترین دلیل و شاهد و لذا هر خواننده منصف، افترا و کذب بودن آن را می‌یابد و حد اقل با شک و تردید به آن می‌نگرد.

ولی در عصر حاضر پیروان ابن

تیمیه برای اثبات مطالب ناروا و هتاک‌های او، در پی دلیل تراشی و ارائه مدرک و سند هستند و لذا با دقت و حساسیت مراقب اعمال و رفتار شیعیان می‌باشند که اگر مطلبی خلاف واقع «ولو از روی اشتباه» از آن‌ها مشاهده کنند با امکانات تبلیغی گسترده‌ای که در اختیار دارند، به همه مسلمانان دنیا منعکس نمایند و تبدیل مسجد الاجابه به مسجد مباحله و لو از روی اشتباه و عدم آگاهی است، اما می‌تواند یکی از مصادیق بارز آن گردد و بر افترا بی که از سوی ابن تیمیه، درباره شیعیان مطرح شده است، مهر تأیید بزنند.

### ○ پانوشته‌ها:

- ۱- جن: ۱۸
- ۲- توبه: ۱۸
- ۳- ابن شبه، تاریخ، ج ۱، صص ۵۷ و ۷۵
- ۴- اخبار مدینه الرسول، این کتاب در سال ۱۴۰۱ در ۱۶۷ صفحه و در مکه معظمه چاپ شده است.
- ۵- تألیف احمد یاسین، متوفای ۱۳۸۰ ق. چاپ مکه.
- ۶- تألیف علی حافظ، چاپ مدینه ۱۴۰۵ ق.
- ۷- محمد الیاس، چاپ مدینه، ۱۴۱۸ ق.
- ۸- ابن نجار، اخبار مدینه الرسول، ص ۱۱۶
- ۹- ابن شبه، تاریخ المدینه، ج ۱، ص ۷۴
- ۱۰- او سلطان سلیمان اول مشهور به قانونی و از سلاطین عثمانی است. تولد وی در سال ۹۰۰ ق.

است. در سال ۹۲۶ به سلطنت رسید و در سال ۹۷۴ از دنیا رفت.

۱۱- المدينة المنورة و تطورها العمراني، ص ۳۱۳

۱۲- احمد عباسي، عمدة الاخبار في مدينة المختار، ص ۱۷۶

۱۳- سمهودي وفاء الوفا، ج ۳، ص ۸۲۸

۱۴- مسلم، صحيح، كتاب الفتن، باب هلاك هذه الامة بعضهم ببعض، حديث ۲۸۹۰

۱۵- به منطقه‌ای که مسجد قبا واقع است، عاليه و عوالي گفته می‌شود.

۱۶- مالک موطأ، ج ۱ باب ما جاء في الدعاء.

۱۷- ابن شبه، تاريخ، ج ۱، ص ۶۸

۱۸- سمهودي، وفاء الوفا، ج ۳، ص ۸۲۹

۱۹- صدوق، الخصال، ج ۱، ص ۸۳

۲۰- ابن نجار، اخبار مدينة الرسول، ص ۱۱۶

۲۱- مطري، التعريف بما آتت الهجرة، ص ۴۷

۲۲- به نقل محمد الياس در المساجد الأثرية، ص ۳۷

۲۳- عياشي، المدينة بين الماضي والحاضر، ص ۱۱۴

۲۴- الكافي، ج ۴، ص ۵۶۰

۲۵- الكافي، ج ۴، ص ۵۶۰

۲۶- الكافي، ج ۴، ص ۵۶۱

۲۷- در توضیح این موضوع، به «تاریخ حرم ائمه بقیع» از این نویسنده، صص ۲۷۳ - ۲۷۴ مراجعه شود.

۲۸- بنابر آنچه در بحار الأنوار و مستدرک و الذریعة آمده، محمد بن المشهدی از علمای مورد اعتماد بوده و کتاب او «المزار الكبير» مرجع کتب ادعیه و زیارات است. او از علمای قرن ششم می‌باشد و کتاب «المزار الكبير» ش به صورت خطی است که مرحوم صاحب «الذریعة» تصانیف الشیعه چند نسخه موجود آن را معرفی کرده است.

۲۹- المزار الكبير، صص ۲۷ و ۲۸ به نقل از بحار الأنوار، ج ۱۰، ص ۲۲۵ و خاتمة مستدرک الوسائل ج ۱، ص ۳۵۹

۳۰- منهاج السنه، ج ۱، صص ۱۳ - ۶